

جنگ خاورمیانه: سرمایه‌داری یعنی جنگ، جنگ علیه سرمایه‌داری

رزمنده‌ترین گردان‌های پرولتاریای خاورمیانه متعلق به ایران است که در حافظه تاریخی خود نبردهای پرافتخاری به ثبت رسانده است. این جنگ می‌تواند تأثیر منفی و مخربی بر طبقه کارگر ایران بگذارد و مانع از آن شود که مبارزات نه تنها تداوم یابند، بلکه به سطوح بالاتری ارتقاء پیدا کنند.

سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی را بر بشریت تحمیل می‌کند، زیرا با واکنش طبقاتی جدی و سازمان‌یافته‌ای از سوی طبقه‌ی کارگر جهانی مواجه نیست. اما این واقعیت، نه تنها مسئولیت انترناسیونالیست‌ها، و به ویژه کمونیست چپ را از بین نمی‌برد، بلکه برعکس، اهمیت آن را دوچندان می‌کند: یعنی ضرورت دفاع پیگیرانه از انترناسیونالیسم پرولتری، افشای ماهیت امپریالیستی این جنگ‌ها، و روشن ساختن پایه‌های مادی و طبقاتی آن‌ها در برای طبقه‌ی کارگر.

باید با صدای رسا اعلام کرد: تمام این درگیری‌ها علیه منافع طبقه‌ی کارگر است. باید آشکارا گفته شود که پیامدهای جنگ میان ایران و اسرائیل محدود به خاورمیانه نخواهد ماند؛ چرا که سرمایه‌داری، نظامی جهانی است و آثار ویرانگر آن بر دوش کارگران در سراسر جهان سنگینی خواهد کرد. و از همه مهم‌تر، باید تأکید کرد که دشمن واقعی در هر جا، در خانه‌ی خود ما است: در تهران، تل‌آویو، واشنگتن، لندن، برلین، پاریس و هر جای دیگری که سرمایه، دولت و ارتش علیه طبقه کارگر صف کشیده‌اند.

تاریخ نشان داده است تنها نیرویی که قادر است، ماشین کشتار بورژوازی یعنی جنگ را پایان دهد، طبقه کارگر است. این خطر انقلاب آلمان در جریان جنگ جهانی اول بود که بورژوازی را مجبور به امضای آتش بس کرد. همین مسئله همیشه صادق است، جنایتکاران جنگی تنها در سایه **خطر پرولتاریا** از جنگ کوتاه می‌آیند تا خودشان را برای جنگ طبقاتی علیه پرولتاریا آماده کنند. اگر چه طبقه کارگر جهانی امروز در چنین موقعیتی نیست ولی تکامل مبارزه طبقاتی می‌تواند چنین افقی را برای پرولتاریا ایجاد کند.

جنگ به شیوه‌ای از زندگی سرمایه‌داری در عصر امپریالیسم آن تبدیل شده است. سرمایه‌داری نمی‌تواند آینده‌ای ارائه دهد، تنها توحش و بربریت را به مناطق بیشتری گسترش می‌دهد. این یک توهم است که از جنگ‌افروزان بخواهیم جنگ را متوقف کنند. صلح جنگ‌افروزان تنها می‌تواند یک میان پرده در سرمایه‌داری جنگ طلب باشد. از درون صلح سرمایه‌داری تنها شعله‌های جنگ می‌تواند زبانه بکشد. فقط جنگ طبقاتی کارگران است که می‌تواند آلترناتیوی برای توحش سرمایه داری ارائه دهد، چون پرولتاریا کشوری برای دفاع ندارد و مبارزه‌اش باید مرزهای ملی را درنوردد و در مقیاس بین‌المللی توسعه یابد. تنها طبقه کارگر جهانی با تبدیل جنگ سرمایه‌داری به جنگی علیه سرمایه‌داری و به تبع آن با به زیر کشیدن سرمایه‌داری در مقیاس جهانی می‌تواند زمینه مادی جنگ‌های امپریالیستی را از بین ببرد و صلح دائمی را برای بشریت به ارمغان بیاورد.

کارگران وطن ندارند!

مرگ بر جنگ امپریالیستی!

زند باد جنگ طبقه علیه طبقه!

دفاع سازش‌ناپذیر از انترناسیونالیسم در همه جا!

صدای انترناسیونالیستی

۲۹ خرداد ۱۴۰۴

<https://www.internationalistvoice.org>

در حالی که شعله‌های آتش جنگ از هر سو زبانه می‌کشد، ترامپ با هیاهویی تبلیغاتی و در لباس یک صلح‌طلب، کارزار انتخاباتی خود را آغاز کرد. او وعده داده بود که ظرف ۲۴ ساعت به جنگ اوکراین پایان می‌دهد، نسل‌کشی غزه را خاتمه می‌بخشد و چهره‌ای صلح‌دوست از خود به نمایش می‌گذارد. حتی مدعی شد که شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی صلح نوبل است. با این حال، بازگشت ترامپ به قدرت نه تنها به توقف جنگ‌ها منجر نشد، بلکه بر شدت تنش‌های نظامی افزود: جنگ اوکراین همچنان ادامه دارد، غزه به صحنه‌ی یک نسل‌کشی تمام‌عیار تبدیل شده و در عین حال، تنش‌های نظامی در آفریقا، درگیری میان هند و پاکستان، و جنگی تمام‌عیار میان اسرائیل و ایران شعله‌ور شده‌اند. امروز، جنگ دیگر صرفاً یک رویداد نظامی نیست؛ بلکه هر روز بیش از پیش، به بازتابی از نظام سرمایه‌داری در عصر امپریالیسم و شیوه‌ی زندگی برخاسته از آن بدل می‌شود.

جنگ میان ایران و اسرائیل نتیجه‌ی تصمیمات رهبران جنگ‌طلب نیست، بلکه بیانگر ماهیت نظام سرمایه‌داری امروز است. فارغ از نقابی که یک دولت بر چهره می‌زند، چه دموکراتیک باشد و چه دیکتاتوری، چه صلح‌طلب باشد و چه آشکارا جنگ‌طلب، همه‌ی آن‌ها یک ویژگی بنیادین مشترک دارند: قربانی کردن طبقه‌ی کارگر به‌عنوان گوشت دم توپ در جنگ‌های امپریالیستی. بدون استثنا، همه‌ی آن‌ها جنایتکار جنگی هستند.

بر خلاف عوام‌فریبی گانگسترهای دموکرات که ادعا می‌کنند اسرائیل با حملاتی دقیق صرفاً به دنبال خنثی‌سازی برنامه‌ی هسته‌ای ایران یا حذف فرماندهان سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است، واقعیت چیز دیگری است. در عمل، هر دو طرف، زیرساخت‌های غیرنظامی از جمله کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، مناطق مسکونی، محل‌های کار و حتی بیمارستان‌ها را بمباران کرده‌اند. حقیقت این است: هر دو طرف در ارتکاب جنایات جنگی شریک‌اند.

تمامی دموکرات‌های گانگستر و در رأس آن‌ها ترامپ جنایتکار با زبان راهزنان سخن می‌گویند و حتی به جنایات خود افتخار می‌کنند. آن‌جا که ترامپ با افتخار اعلام می‌کند:

"ایالات متحده بهترین و مرگبارترین تجهیزات نظامی جهان را، با اختلافی بسیار زیاد، تولید می‌کند. اسرائیل بخش قابل توجهی از این تجهیزات را در اختیار دارد و تجهیزات بیشتری نیز در راه است؛ آن‌ها می‌دانند چگونه از آن استفاده کنند."

روزا لوکزامبورگ در جریان جنگ جهانی اول بر این باور بود که برای عادی‌سازی جنایات جنگی، خشونت عینی باید با نوعی توحش در افکار و احساسات همراه شود؛ به گونه‌ای که نه تنها جاری شدن حمام خون امری عادی تلقی شود، بلکه مایه‌ی افتخار نیز به شمار آید. امروز، ترامپ جنایتکار به روشنی تجسم این تحلیل تاریخی است. او با افتخار از مرگبارتر و مخرب‌تر بودن تجهیزات نظامی ایالات متحده سخن گفت و تأکید کرد که روز جمعه، «روزی بزرگ» برای اسرائیل بوده است، چرا که از «تجهیزات فوق‌العاده آمریکایی» در آن بهره گرفته شده است. این جنگ‌طلب آشکارا تصریح کرد که نسبت به آغاز یک جنگ منطقه‌ای در پی حملات اسرائیل هیچ گونه نگرانی ندارد. به بیان دیگر، او نه تنها از جنگ استقبال می‌کند، بلکه آن را صحنه‌ی نمایش قدرت و برتری تکنولوژیک آمریکا می‌داند.

متأسفانه طبقه کارگر اسرائیل در مقایسه با خواهران و برادران طبقاتی خود در ایران، بسیار بیشتر تحت تأثیر ناسیونالیسم و مذهب مسموم شده و این امر باعث شده است که بورژوازی اسرائیل طبقه کارگر اسرائیل را به راحتی برای جنگ بسیج نماید. در مقابل، با وجود تمامی شکست‌ها، طبقه کارگر ایران در مقایسه با هم طبقه‌های خود در اسرائیل از وضعیت مبارزاتی به مراتب بهتری برخوردار است؛ به ویژه اینکه یکی از